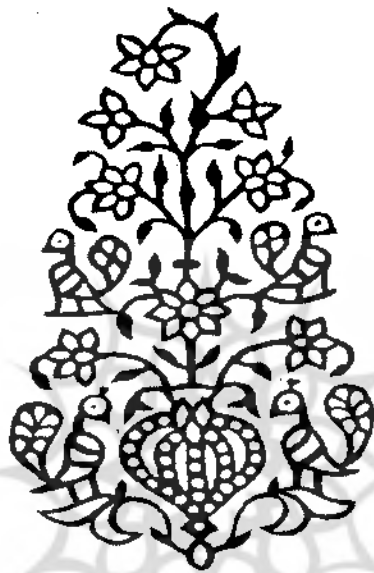


مهدی کریمی

واژه‌نامه علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی

○ مهدی کریمی

- ایران، ۱۳۶۶.
۱۰. هاشمی، ابوالفضل. واژگان کتابداری و اطلاع‌رسانی. تهران: دبیرخانه هیئت‌امنا کتابخانه‌های عمومی کشور، ۱۳۷۶.
 ۱۱. کینن، استلا. فرهنگ فشرده کتابداری و اطلاع‌رسانی. ترجمه و تدوین فاطمه اسدی کرگانی. تهران: نشر کتابدار، ۱۳۷۸.
 ۱۲. هاشمی، ابوالفضل. واژگان کتابداری و اطلاع‌رسانی. ویرایش ۲. تهران: دبیرش، ۱۳۷۹.
 ۱۳. سلطانی، پوری؛ راستین، فروردین. دانشنامه کتابداری و اطلاع‌رسانی. تهران: فرهنگ معاصر، ۱۳۷۹.
 ۱۴. اسدی کرگانی، فاطمه. واژه‌نامه جیبی علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی. با همکاری زهرا ابادری. ویراسته عبدالحسین آذرنگ. تهران: نشر کتابدار، ۱۳۸۰.
 ۱۵. اسدی کرگانی، فاطمه. واژه‌نامه علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی. با همکاری زهرا ابادری. ویراسته عبدالحسین آذرنگ. تهران: نشر کتابدار، ۱۳۸۰.
- واژه‌نامه علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی تألیف دکتر اسدی کرگانی منبهمی کوچک و فشرده، حاوی اصطلاحات علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی و دانشهای مرتبط با آنها مانند اصطلاحات اصلی رشته‌های علوم و فنون رایانه، شبکه و ارتباطات دوربرد، نشر و روش پژوهش است. این کتاب دارای ۱۲۰ صفحه و دو بخش واژه‌نامه انگلیسی-فارسی و نمایه است که لغات آن با نظم الفبایی مرتب شده است.
- اصطلاحات این واژه‌نامه از چهار منبع اصلی برگزیده شده است:
۱. odls (online dictionary of library and information science). in: <http://www.wcsu>
 ۲. harrod's librarian's glossary of terms in librarianship
 ۳. asis thesauruse of information science and librarianship
 ۴. فرهنگ فشرده کتابداری و اطلاع‌رسانی /



- واژه‌نامه علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی
 ○ گردآوری: دکتر فاطمه اسدی کرگانی
 ○ نویسنده همکار: دکتر زهرا ابادری
 ○ ویراستار: عبدالحسین آذرنگ
 ○ نشر کتابدار ۱۳۸۰

واژه‌نامه، سیاهه‌ای از لغات یک زبان به همراه اطلاعات لازم درباره هر لغت (از قبیل تلفظ، ریشه، معنا و...) یا معادل آن لغات به زبانی دیگر است. هرگاه این لغات بدون توجه به عوامل زمانی، تاریخی یا موضوعی در یک مجموعه بیاید به آن مجموعه واژه‌نامه عمومی می‌گویند؛ و هرگاه این لغات منحصر به یک موضوع خاص باشد به مجموعه این لغات واژه‌نامه اختصاصی یا موضوعی می‌گویند. در واژه‌نامه‌های موضوعی، مؤلف درگردآوری واژه‌ها و اطلاعات از نظر موضوعی محدودیت دارد و در یک حیطه موضوعی مشخص که در عنوان اثر آمده است فعالیت می‌کند.

با توجه به گستردگی و پیچیدگی دانش کتابداری و اطلاع‌رسانی، مطالعه متون انگلیسی این علم، وجود واژه‌نامه‌هایی را اقتضاء می‌کند. بر همین اساس تاکنون چندین واژه‌نامه در این حوزه در ایران منتشر شده است. دو پدیده مهمی که باعث انتشار واژه‌نامه دوزبانه کتابداری در ایران شد، تأسیس انجمن کتابداران ایران در سال ۱۳۴۴ و برگزاری دوره کارشناسی ارشد کتابداری در دانشگاه تهران به سال ۱۳۴۵ بود. کمیته واژه‌گزینی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران که به همت آقای ایرج افشار، رئیس وقت کتابخانه مرکزی تشکیل شده بود، در سال ۱۳۴۹ نتیجه کار خود را با عنوان «فرهنگ اصطلاحات کتابداری» در دفتر سوم نشریه کتابداری منتشر کرد و بدین ترتیب نخستین واژه‌نامه کتابداری شکل گرفت. بعد از این اثر، چندین واژه‌نامه دیگر در این موضوع منتشر شد؛ از جمله:

۱. آذرنگ، عبدالحسین. فرهنگ اصطلاحات دکومانتسیون. تهران: مرکز اسناد و مدارک علمی ایران، ۱۳۵۰.
۲. مرکز خدمات کتابداری. فرهنگ

- اصطلاحات کتابداری. تهران: مرکز خدمات کتابداری، ۱۳۵۲.
۳. اعلم هوشنگ. واژه‌های کتابداری. تهران: فرهنگستان زبان ایران، ۱۳۵۲.
 ۴. مجتبی نائینی، مهدی. واژه‌نامه کوچک کتابداری. تهران: انجمن کتابداران ایران، ۱۳۵۲.
 ۵. سلطانی، پوری؛ مجتبی نائینی، مهدی. اصطلاحنامه کتابداری. تهران: انجمن کتابداران ایران، ۱۳۵۷.
 ۶. فدراسیون بین‌المللی دبیرش. اصطلاحنامه علم اطلاع‌رسانی و دکومانتسیون. ترجمه حسین دانش و عبدالحسین آذرنگ. تهران: مرکز اسناد فرهنگی، ۱۳۵۷.
 ۷. آچسن، جین. اصطلاحنامه فرهنگ ارتباطات و اطلاعات. ترجمه عباس حری و عبدالحسین آذرنگ. تهران: دفتر پژوهشهای فرهنگی، ۱۳۵۷.
 ۸. سلطانی، پوری؛ راستین، فروردین. اصطلاحنامه کتابداری. تهران: کتابخانه ملی ایران، ۱۳۶۵.
 ۹. مهدوی، محمدتقی. واژه‌های کتابداری و دکومانتسیون. تهران: مرکز اسناد و مدارک علمی

کتاب ماه کلیات / خرداد ۱۳۸۱

استلا کتین.

این واژه‌نامه دارای محاسن ذیل است:

۱. با توجه به اینکه زبان پی در پی در حال تغییر و تحول است و این تغییر و تحول در دانشهای تخصصی ملموس‌تر است، تاریخ انتشار فرهنگ زبان، به‌ویژه در واژه‌نامه‌های تخصصی از اهمیت والایی برخوردار است. بنابراین، این واژه‌نامه جدیدترین واژه‌نامه در حوزه علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی است و از این حیث بر واژه‌نامه‌های قبل رجحان دارد.

۲. مؤلف و ویراستار این اثر از اساتید و متفکران برجسته کتابداری و اطلاع‌رسانی هستند که علاوه بر تألیف و ترجمه و ویراستاری چندین اثر در این حوزه، چند واژه‌نامه دیگر را تدوین، ترجمه یا ویرایش کرده‌اند. دانش و تجربه آنها می‌تواند مهر تأییدی بر فعالیتشان باشد.

در کنار محاسن فوق، کتاب دارای نقاط ضعفی نیز است؛ از جمله:

۱. در این واژه‌نامه جای بسیاری از واژه‌های کتابداری و اطلاع‌رسانی خالی است. در حالی که این واژه‌نامه بعد از انتشار ۱۳ واژه‌نامه کتابداری و اطلاع‌رسانی می‌بایست جامع‌ترین آنها باشد، متأسفانه فاقد بسیاری از واژه‌های این رشته است؛ از قبیل Librarianship (کتابداری)، library individual (کتابخانه انفرادی)، tray rod catalog (میله برگه‌دان)، Lining parper (آستر برفه)، rack (قفسه)، department lending (بخش امانت)، brace (فرازه)، publication Ceased (نشریات متوقف شده).

۲. از یک فرهنگ تخصصی فقط لغات خاص همان رشته توقع می‌رود؛ ولی در این واژه‌نامه در مواردی لغات عمومی و غیرتخصصی نیز به چشم می‌خورد که برای نمونه می‌توان به واژه‌های der-pathfin poke (رهجو، رهیاب)، lurker (کمین‌کننده)، Weight (وزن)، underrun (کمبود)، poke (نشاندن)، consol (بیشانه)، something nothing before (هیچ چیز پیش از چیزی)، novelty (نازگی، چیز تازه)، same size

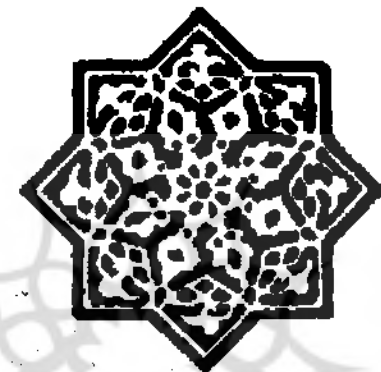
می‌کنیم و بنابراین معادل صحیح این عبارت «خدمات ارجاعی قانونمند» است.

۸. با توجه به تأکید دستور زبان فارسی بر استفاده از واژه‌های ساده و بی‌تکلف، شایسته بود معادل negative selection به جای ناگزیدن، گزینش منفی و معادل register به جای ثبت، ثبت‌کننده و معادل abstracting به جای چکیده‌گری، چکیده‌نویسی می‌آمد.

۹. عبارت associate editor دستیار ویراستار، ویراستیار، ویرایشیار ترجمه شده است که معادل اولی (دستیار ویراستار) درست ولی معادلهای ویراستیار و ویرایشیار اشتباه است.

۱۰. خط مایل (/) میان کلمات و اصطلاحات معمولاً برای جلوگیری از تکرار و به منظور اختصار می‌آید. برای مثال annotated bibliography کتابشناسی گزارمانی / توصیفی / توضیحی ترجمه شده است و این قاعده در سراسر اثر رعایت شده؛ ولی خط مایل (/) در مواردی دیگر از قبیل cad/cam کم نیز آمده است که بهتر بود برای این موارد از علامتی دیگر استفاده می‌شد.

۱۱. با توجه به اینکه متخصصان علوم تنها به معادلهای فارسی واژه‌های انگلیسی نیازمند نیستند؛ بلکه به دلایل گوناگون به معادلهای انگلیسی واژه‌های فارسی نیز نیازمندند و واژه‌نامه تخصصی دوسویه می‌تواند این نیاز دوگانه را در آن واحد برآورده سازد، پیشنهاد می‌شود تا در ویرایش آینده، واژه‌نامه فارسی - انگلیسی نیز به کتاب اضافه شود و بدین ترتیب کتاب شامل سه قسمت واژه‌نامه انگلیسی - فارسی، واژه‌نامه فارسی - انگلیسی و نمایه شود.



(هم‌اندازه، یک اندازه)، antonym (داوری، حکمیت)، state (وضع)، allegory (تمثیل)، genus (جنس)، ... اشاره کرد.

۳. از یک فرهنگ دوزبانه انگلیسی - فارسی انتظار می‌رود که صفحات فارسی اعم از صفحه نیم عنوان، صفحه عنوان، یادداشت، مقدمه و صفحه حقوق در صفحات آغازین سمت راست قرار بگیرد.

۴. از یک فرهنگ دوزبانه فارسی - انگلیسی انتظار می‌رود که پشت جلد، عنوان اثر و تدوین‌کنندگان و ... به انگلیسی ذکر شود؛ در حالی که در پشت جلد این اثر به معرفی کتاب و پدیدآورنده آن پرداخته شده است.

۵. با توجه به ساختار زبان فارسی انتظار می‌رود نمایه فارسی از راست به چپ تدوین شود ولی در این واژه‌نامه برعکس عمل شده است.

۶. واژه assertivness واژه اسمی است؛ لکن معادلی که پدیدآورندگان برای آن در نظر گرفته‌اند رفتارپذیر است که از نظر دستوری صفت مشابه است و معادل صحیح آن رفتارپذیری است.

۷. عبارت lative reference service - legis خدمات ارجاعی برای قانونگذاران معنا شده است؛ در حالی که در انگلیسی زمانی که بخواهیم به چیزی عینیت ببخشیم از پسوند tive استفاده

